

اعدام یک بهائی در یزد

ذبیح الله مجرمی، متولد ۱۳۲۵، ساکن یزد، کارمند اداره کشاورزی شهرستان یزد، در تاریخ ۱۲ دیماه ۱۳۷۴، توسط شعبه ۱ دادگاه انقلاب اسلامی یزد به اعدام محکوم شد. مجرمی متدین به دین خانوادگی خود، دین بهائیت، بود. اما، در سال ۱۳۶۰ برای آنکه از سرکوب و تعقیب مأموران جمهوری اسلامی در امان بماند و شغل خود را از دست ندهد اعلام کرده بود که اسلام آورده است. مجرمی آنچنانکه در حکم شعبه ۱ دادگاه انقلاب اسلامی یزد می خوانیم "اخیراً اعلام کرده بود که بهائی است و در مجامع بهائیان شرکت می جوید و بنابر گزارش مورخ یازدهم خرداد ماه ۱۳۷۴ اداره اطلاعات یزد، دختر خود را به عقد یکی از بهائیان اصفهان درآورده است." دادگاه انقلاب اسلامی یزد مجرمی را به محاکمه می خواند و در تاریخ ۱۲ دیماه ۱۳۷۴ به جرم کفر، ارتداد و زندقه و به استناد تحریرالوسیله خمینی به اعدام محکوم می کند. علاوه بر این در حکم دادگاه تصریح شده است که "از آنجا که متهم هیچ وارث مسلمانی ندارد، حکمی صادر شد تا شعبه یزد سازمان اجرائی امام همه اموال و املاک او را مصادره کند."

آموزش نظامی سربازان بوسنیائی در ایران

لوموند (۵ مارس ۱۹۹۶) به نقل از نیویورک تایمز (۴ مارس ۱۹۹۶) گزارش داد که حکومت بوسنی تعداد بسیاری از لشکرهای خود را برای تعلیمات نظامی به ایران فرستاده است. دو مقام مسئول بوسنیائی که نخواستند نامشان فاش شود از وجود این لشکرها در ایران گواهی می دهند. براساس گزارش پاره ای از سفارتخانه های اروپائی در ایران، شمار این سربازان بالغ بر صدها تن می گردد.

حمله حزب الهی ها به مجلس ختم سیاوش کسرائی

مراسم ختم سیاوش کسرائی در روز ۲۶ بهمن ۷۴ در یکی از مساجد تهران، مورد هجوم اوپاش حزب الله قرار گرفت. در این مراسم تعداد کثیری از مردم، منجمله شخصیتهای فرهنگی و سیاسی شرکت کرده بودند. بنا به

گزارش خبرگزاری ها، حاضران در حالیکه با اعتراض مجلس را ترک میکردند، مورد ضرب و شتم مهاجمین حزب الهی قرار می گرفتند که از طریق بلند گو شعار سر میدادند و درهای مسجد را نیز بسته بودند. در این حمله، عده ای از شرکت کنندگان در مراسم از جمله آقایان داریوش فروهر، هوشنگ گلشیری و محمد قاضی مجروح شدند.

اعدام سه زندانی سیاسی

به گزارش هفته نامه ایران زمین (۳۰ بهمن ۷۴)، سه زندانی سیاسی هوادار سازمان مجاهدین که هر سه نیز عضو یک خانواده بوده اند به نامهای آذر، علیرضا و صادق حسینی در روز ۲۱ بهمن ۷۴ و پس از ۸ سال محکومیت اعدام شدند.

ترور یک روحانی سنی

براساس اطلاعیه سازمان عفو بین المللی (۲ فوریه ۱۹۶)، دکتر احمد صیاد، یکی از رهبران روحانی سنی بلوچستان، به هنگام مراجعت از امارات متحده عربی به ایران در فرودگاه بندر عباس ریوده می شود و کمی بعد جسد او را در خارج از شهر می یابند. احمد صیاد یکبار در سال ۱۹۹۰ به هنگام بازگشت از عربستان، دستگیر و به ۱۵ سال زندان محکوم می گردد، اما پس از ۵ سال آزاد می شود.

ترور دو ایرانی در ترکیه

به گزارش بیرلینر زایتونگ (۲۳ فوریه ۱۹۶)، دو ایرانی بنام های زهرا رجیبی (۳۷ ساله) و همراه او علی مرادی (۳۱ ساله) بطرز فجیعی در محل مسکونی خود در استانبول به قتل رسیدند. سازمان عفو بین المللی از دولت های ایران و ترکیه خواسته است که در باره ترور این دو ایرانی "تحقیقات کامل، فوری و بی طرفانه" ای انجام دهند. بدنبال این ترور شورای ملی مقاومت اعلام کرد که خانم زهرا رجیبی عضو شورای رهبری این سازمان بوده و آقای علی مرادی از هواداران این سازمان. سازمان مجاهدین نیز طی اطلاعیه ای بتاريخ ۱۰ اسفند ۷۴ در پاریس اعلام کرد که یک مأمور وزارت اطلاعات رژیم به نام احمد اصفهانی که کارمند کنسولگری جمهوری اسلامی در استانبول است،

نقش فعالی در این ترورها به عهده داشته است.

پشتیبانی جمهوری اسلامی ایران از حزب الله ترکیه

دولت ترکیه اخیراً یکی از اعضای گروه غیرقانونی حزب الله این کشور را دستگیر کرد. فرد مزبور که متهم به قتل دو روزنامه نگار لائیک ترک است در بازجویی های خود اعتراف کرده است که اسلحه مربوط به این ترور را توسط سفارت خانه ایران در ترکیه بدست آورده است. در همین رابطه محمدرضا باقری سفیر ایران در ترکیه هرگونه رابطه ایران و سفارتخانه اش را با تروریسم، قویاً تکذیب کرد (راديو ا.ر.اف.ای، بخش فارسی، ۱۲ مارس ۱۹۹۶).

هفتمین سالگرد حکم قتل سلمان رشدی

چهاردهم فوریه ۱۹۹۶ هفتمین سالگرد صدور حکم قتل نویسنده آیه های شیطانی بوسیله آیت الله خمینی است. در نیمه دوم سال ۱۹۹۵، دولت های اروپائی کوشیدند تا به نوعی دولت ایران را به لغو آنچه خود "فتوای خمینی می نامند" وادار سازند. در ماه ژوئن (خرداد) گذشته دولت های اروپائی امیدوار بودند که به توافقی برسند و دولت ایران بپذیرد که خود به اجرای فتوا دست نزند، تروریسم را ترغیب و تجهیز نکند و اصول متعارف حقوق بین المللی را مراعات کند. دولت ایران که همه این تهددات را پذیرفته بود حاضر نشد که این پذیرش را رسماً و کتباً اعلام کند. محمود واعظی معاون وزارت خارجه ایران در مذاکرات خود با هیئت سه نفری نمایندگان اتحادیه اروپا اظهار داشت که تنها می تواند شفاهاً نظر دولت ایران را اعلام کند، آنگاه به شرط اینکه دولت های اروپائی هم توهین به مقدسات را محکوم کنند و بر رعایت حرمت اسلام تأکید بدارند. به مناسبت هفتمین سالگرد صدور حکم قتل سلمان رشدی، مراسم گوناگونی در کشورهای اروپائی برگزار شد. همزمان با این سالگرد سلمان رشدی به مناسبت انتشار ترجمه فرانسوی زمان اخیرش در یکی از برنامه های شبکه ۲ تلویزیون دولتی فرانسه شرکت کرد تا اعلام کند که همچنان می نویسد و می گوید و از سیاست گفتگوی انتقادآمیز دولت های اروپائی شرم دارد: "من تنها یک

پرسش از دولت های اروپائی دارم : آیا می توانید به من بگوئید که وقتی دولت ایران می گوید دیگر قصد اجرای فتوا را ندارد راست می گوید یا نه؟ روزنامه جمهوری اسلامی به مناسبت سالگرد فتوا نوشت که فتوای خمینی همانند تیری است که از کمان رها شده و مسلماً به هدف اصابت خواهد کرد و هیچ پایانی جز اجرای این فرمان الهی برای این ماجرا وجود ندارد. در همین رابطه، علی اکبر هاشمی رفسنجانی، در آخرین مصاحبه مطبوعاتی خود (مندرج در اطلاعات چاپ اروپا-لندن، ۱۲ مارس ۱۹۶۶) اعلام کرد: مسئله رشدی را خود اروپائی ها و بخصوص انگلستان نمی خواهند حل کنند. فتوای حضرت امام از هزار سال پیش تاکنون این بوده است و ایشان نظریه حقوقی-اسلامی را بیان کرده اند و اکثر فقهای اسلام نیز آن را قبول دارند و اصلاً یک مسأله اجرایی نبود و ما مصلحت هم نمی دانیم که این مسأله مطرح شود.

دخالت سازمان امنیت ایران در ترور میکونوس

هانس یوهاخیم ایریگ، وکیل مدافع شاکی خصوصی در دادگاه میکونوس برلین اخیراً اظهار داشت که سازمان امنیت ایران در قتل چهار تن از افراد اپوزیسیون کرد ایرانی در رستوران میکونوس شرکت مستقیم داشته است. او این اظهار را بر اساس پرونده های تازه بدست آمده از سازمان امنیت آلمان انجام داد. در این پرونده ها آمده است که در هنگام وقوع ترور رستوران میکونوس، ماوران سازمان امنیت ایران در برلین حضور داشتند و طرح اجرای ترور با شرکت یکی از جاسوس های این سازمان ریخته شده است (برلینر زایتونگ ۱۲ فوریه ۱۹۶۶).

نامه سرگشاده عباس امیرانظام به مناسبت سفر موریس دانبی کوپیتون به ایران

نامه عباس امیرانظام (بتاریخ آبانماه ۱۷۴) که در بازداشتگاه خانگی وزرات اطلاعات ایران و خطاب به موریس دانبی کوپیتون (فرستاده ویژه کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد در ایران) نوشته شده حاوی اطلاعاتی درباره وضعیت او و دیگر زندانیان سیاسی در بازداشتگاهها و زندان های جمهوری اسلامی و هم چنین درباره اعمال شکنجه بر آنان و نقض حقوق بشر در ایران است. در این نامه، عباس امیرانظام از کتابی صحبت می کند که بتازگی درباره انواع شکنجه ها و رفتار غیر انسانی رژیم با او و سایر زندانیان سیاسی نوشته و به پیوست نامه مذکور بعنوان یک سند زنده تاریخی برای موریس کوپیتون فرستاده است. او در نامه خود تصریح کرده است که آماده است تا تمامی موارد ذکر شده در

کتاب را که فقط قسمتی از موارد نقض حقوق بشر در ایران توسط رژیم خودکامه می باشد [...] در یک دادگاه بین المللی به اثبات برساند. سپس، او با تشریح وضعیت ناپهناچار و غیربهداشتی محل بازداشتگاه خانگی خود اضافه می کند: در مدت ۲۴ ساعت ۲ وعده غذا می دهند که شامل صبحانه نیست و هزینه دکتر و دارو مانند ۱۶ سال گذشته نیز بعهده اینجانب است و در مدت ده ماه گذشته، ۳ میلیون و ۵۰۰ هزار ریال شخصاً صرف هزینه های خوراک و دکتر و دارو و آزمایشات لازم کرده ام. [...] هم اکنون که این نامه را به جنابالی می نویسم، مدت شانزده سال است که بدلائل اتهامات کذب مطلق، بطور غیرقانونی در زندان رژیم توتالیتر مذهبی، زندانی هستم. دادگاه اینجانب توسط فردی که فاقد تحصیلات حقوقی و قضائی بوده اداره شد و غیرعلنی بود. اینجانب مجاز به داشتن وکیل نبودم. در این دادگاه هیئت منصفه حضور نداشت. حق آخرین دفاع از من سلب شد. من حق نداشتم به کتاب قانون و یا هرسندی که مورد احتیاج من برای دفاع بود، دسترسی داشته باشم. در بخش دیگری از این نامه آمده است: در مدت شانزده سال گذشته، هزینه های بیماری و ۱۳ عمل جراحی اینجانب را خویشاوندانم پرداخت کرده اند و بدلیل ممنوع المکاتبه بودن هنوز نمی توانم با خانواده ام که نمی دانم در کجا اقامت دارد تماس بگیرم و زندگی خانوادگی ام متلاشی و سرنوشت مبهمی در انتظار فرزندانم می باشد، که مسئولیت مستقیم سرنوشت آنها و مصائبی که بر آنها تحمیل شده است بر عهده رهبران و مسئولین نظام توتالیتر مذهبی است. در ادامه عباس امیرانظام به نقض مداوم حقوق بشر در همه زمینه ها و ابعاد زندگی فردی و اجتماعی در ایران اشاره می کند و توجه نماینده ویژه کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد را به فقدان آزادی های اساسی در ایران، مصرح در اعلامیه جهانی حقوق بشر، جلب می کند و در خاتمه بعنوان یک ایرانی زندانی و قربانی رفتار ناپهناچار این رژیم از این کمیسیون می خواهد که: رژیم ایران را با استفاده از قوانین سازمان ملل متحد وادار نمایند تا ترتیب تجدید نظر در محاکمه اینجانب را با حضور: وکلای مدافع هیئت منصفه- هیئت ناظر سازمانهای حقوقی بین المللی، بطور علنی، فراهم سازد و جریان دادگاه، جهت اطلاع هموطنانم و مردم جهان بدون سانسور، در رادیو-تلویزیون و نشریات ایران چاپ و منتشر شود.

توضیحات رئیس دادگاه درباره محکومیت مدیر مسئول نشریه گردون

بنا به گزارش کیهان هوائی معاون وزیر ارشاد اسلامی، تعیین مجازات شلاق

برای مدیر مسئول مجله گردون را نامناسب خواند ولی محمد جواد سعید رئیس دادگاه شعبه ۳۲ عمومی تهران با تاکید بر حکم صادره گفت نظرش در مورد حکم صادره درست بوده است. محمد جواد سعید در گفت و گو با کیهان هوائی (شنبه ۲۱ بهمن ۷۴) در مورد دلیل صدور حکم دادگاه گفت: مجازات شلاق با استناد به ماده ۸۶ قانون تعزیرات تعیین شده است. ماده ۸۶ در مورد هتک حرمت اشخاص اشعار می دارد: توهین به افراد از قبیل فحاشی و استعمال الفاظ رکیک موجب مجازات تا ۳۰ ضربه شلاق خواهد بود. وی ماده ۱۴۱ قانون تعزیرات را مستند خویش برای تعیین مجازات حبس اعلام کرد و گفت: بر مبنای ماده ۱۴۱ هر کس به قصد اضرار به غیر یا تشویش اذهان عمومی یا مقام های رسمی به وسیله نامه یا شکوائیه، مراسلات یا عرایض یا گزارش یا توزیع هرگونه اوراق چاپی یا خطی یا امضاء یا بدون امضاء آکاذیبی را اظهار نماید یا اعمالی را بر خلاف حقیقت رأساً یا با نقل قول به شخص حقیقی یا حقوقی یا مقامهای رسمی تصریحاً یا تلویحاً نسبت دهد اعم از اینکه از طریق مزبور به نحوی از انحاء ضرر مادی یا معنوی به غیر وارد شود یا نه به حبس از یک ماه تا دو سال یا تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهد شد. وی در مورد پرسش کیهان هوائی که چرا در حکم صادره به ماده ۴۸ قانون مجازات اشاره شده است در حالی که این ماده به متهمانی مربوط می شود که بیش از یک بار جرم مرتکب شده اند گفت: احتمالاً اشتباه شده منظور ماده ۲۸ قانون مطبوعات بوده است. سؤال شد علاوه بر اشاره به ماده ۲۸ در حکم صادره به ماده ۴۸ قانون مجازات نیز استناد شده است. سعید در پاسخ گفت: ماده ۴۸ مربوط به تکرار جرم است من به ماده ۴۷ مربوط به تعدد جرم استناد کرده ام. اگر در رأی منتشره از ماده ۴۸ صحبت شده یا اشتباه چاپی بوده یا سهو قلم پیش آمده است. وی در مورد ماده ۴۷ توضیح داد: از آنجا که جرایم مدیر مسئول مجله گردون متعدد و شامل اکاذیب و فحاشی و توهین بود دادگاه وی را از لحاظ نشر اکاذیب به زندان و از نظر فحاشی به شلاق محکوم کرد وقتی این دو مجازات با هم جمع شد مسأله تعدد جرم پیش می آید. مجازات دو سال محرومیت از مشاغل مطبوعاتی نیز از باب تنمیم در نظر گرفته شد و لغو پروانه نیز در واقع در درون محرومیت از مشاغل مطبوعاتی نهفته است.

از سوی دیگر، انجمن اسلامی حقوقدانان ایران با ارسال نامه ای به رئیس دادگستری تهران از تصمیم اخیر دادگاه و هیات منصفه مطبوعات در برخورد قانونی با تخلفات نشریه گردون ابراز خرسندی کرد. در بخشی از این نامه آمده است: تداوم اینگونه اقدامات

قانونمند که در مسیر تحقق منویات رهبر معظم انقلاب اسلامی مبنی بر مقابله با شیخون فرهنگی دشمنان اسلام و انقلاب و حاکمیت بیشتر و اجرای دقیقتر قانون [است] از یکسو موجب خواهد شد که حرکات انقلابی نیروهای دلسوز و حزب الهی بیش از پیش در چارچوب قانونی قرار گیرد و از سوی دیگر موجب خواهد شد [که] برخی مطبوعات از سوءاستفاده از آزادی مطبوعاتی اجتناب ورزیدند. (صبح، ۲۴ بهمن ۱۷۴). لازم به یادآوری است که آقای معروفی خواستار تجدید نظر در حکم صادره علیه او شده است.

محکومیت جمهوری اسلامی وزارت انفجارهای اخیر در اسرائیل

در پی انفجار چهار بمب پیاپی در اسرائیل که منجر به قتل شصت و یک تن شد، خبرگزاری دولتی جمهوری اسلامی ایران (ایرانا) ضمن حمایت از این سوءقصدیهای انتحاری، آنها را "مجازات های الهی علیه موجودیت غیرقانونی صهیونیستی" خواند. این موضع گیری اعتراض وسیع افکار عمومی جهانی، بویژه دولت ها، وزراء، نمایندگان و اعضای اتحادیه اروپا را برانگیخت. بار دیگر، در محافل رسمی بین المللی بحث درباره جمهوری اسلامی ایران بعنوان سرمنشأ "تروریسم دولتی" بالا گرفت. دولت بیل کلینتون مجدداً بر ضرورت تحریم کامل اقتصادی جمهوری اسلامی و منزوی کردن آن در صحنه سیاسی جهانی تأکید کرد و از سایر کشورها و بویژه اعضای اتحادیه اروپا خواست که با شرکت در این اقدام واکنش جدی خود را نسبت به تروریسم جمهوری اسلامی نشان دهند. در پاریس دولت آلن ژوپه سفر از قبل پیش بینی شده محمود واعظی، معاون وزیر خارجه ایران، به خاک فرانسه را لغو کرد و وزارت خارجه فرانسه سفیر ایران در پاریس را فراخواند و مخالفت رسمی دولت متبوع خود را با موضع ایران در قبال این سوءقصدیها به اطلاع او رساند. اگر چه دولت جمهوری اسلامی بلافاصله از طریق جواد ظریف، مسئول امور بین المللی وزارت خارجه ایران و هم چنین سفیر خود در فرانسه هر گونه رابطه و شرکت خود را در سوءقصدیهای اخیر در اسرائیل تکذیب کرد و آن را "اتهامات پیاوه و غیرمسئولانه" دولت یهود اسرائیل خواند، اما این ها مانع از آن نشد که نخست وزیر فرانسه، آلن ژوپه، در جلسه رسمی مجلس ملی این کشور از دولت های ایران و لیبی بعنوان حامیان اصلی تروریسم در سطح جهانی نام ببرد و هر گونه ملاقات میان وزرای ایران و فرانسه را تا اطلاع بعدی لغو کند. هرزه دوشارس وزیر امور خارجه فرانسه طی گفت و گوئی که در ۸ مارس ۹۶ با حضور شیمون پارس از شبکه ۲ تلویزیون

دولتی فرانسه پخش شد، رسماً اعلام کرد که در صورتی که سیاست گفتگوی انتقادآمیز با دولت ایران بی ثمر بماند، جمهوری اسلامی در صحنه سیاسی جهانی منزوی خواهد شد. موضع گیری اخیر دولت فرانسه در زمانی صورت گرفت که چند روز پیشتر از آن برنارد پونس، وزیر راه و ترابری و مسکن فرانسه، به دعوت همتای ایرانی خود، اکبر ترکان، دیدار رسمی چهار روزه ای را از ایران آغاز کرده بود. در این دیدار دو کشور باید به امضاء موافقتنامه هایی در زمینه های راه سازی و ساختن مسکن در ایران و عبور ترانزیت کامیونهای فرانسوی از خاک ایران دست می یافتند. لازم به یادآوری است که برنارد پونس یکی از رجال معروف سیاسی فرانسه از حزب راست حاکم این کشور و پدر خانم فردریک پونس است که وکیل مدافع زین العابدین سرحدی (کارمند سابق سفارت ایران در ژنو)، بعنوان متهم در جریان دادگاه مربوط به قتل شاپور بختیار و سروش کتیبه در پاریس بود. از سوی دیگر، کلیه کشورهای عضو اتحادیه اروپا اعتراض صریح خود را به دنبال انفجارهای تروریستی در اسرائیل، نسبت به سیاست و موضع جمهوری اسلامی در اینباره اعلام کردند. مسئولان اتحادیه اروپا تصمیم گرفتند که بخشی از جلسه غیررسمی وزرای امورخارجه خود را در شهر پالرم به اتخاذ سیاستی مشترک در قبال جمهوری اسلامی ایران و محدود کردن رابطه سیاسی با این دولت اختصاص دهند. هم چنین اعضای اتحادیه اروپا تصمیم گرفتند که سه تن از نمایندگان خود را به سوریه، ایران و لیبی بفرستند و از این سه کشور بخواهند که موضع قاطع و رسمی خود را در محکومیت انفجارهای اخیر در اسرائیل و دیگر اقدامات مشابه تروریستی اعلام کنند. و این در حالی است که به درخواست یاسر عرفات اجلاس جهانی علیه تروریسم و برای دفاع از روند صلح در خاورمیانه در تاریخ ۱۳ مارس ۹۶ در شرم الشیخ مصر برگزار شد. در این اجلاس نزدیک به سی تن از وزراء و رؤسای دولت های جهان و بویژه دولت هایی که نقشی مستقیم در ترغیب و امضای موافقتنامه اسلو میان اسرائیل و دولت خودمختار فلسطین داشتند، شرکت کردند (لوموند ۷ و ۸ مارس ۹۶، لیبراسیون ۸ مارس ۹۶). در ایران هاشمی رفسنجانی، طی مصاحبه مطبوعاتی اظهار داشت: "ما اصولاً با هر کار تروریستی از سوی هر کس و هر جناحی که صورت بگیرد مخالف هستیم و معتقدیم که باید از حماس به عنوان یک جریان فلسطینی که برای کشورش مبارزه می کند، حمایت کنیم و این به آن معنا نیست که کار تروریستی یک گروه را پشتیبانیم" (اطلاعات، چاپ اروپا-لندن، ۱۲ مارس ۹۶). با این حال، وزیر امور خارجه آلمان کلاس کینکل، طی گفتگوئی

مطبوعاتی پاسخ هاشمی رفسنجانی و نیز علی اکبر ولایتی را در اینباره ناکافی خواند و اعلام داشت که "یک بار دیگر از ایران می خواهیم که از تروریسم حماس و سوءقصدیهای وحشتناک اورشلیم و تلااویو، فاصله بگیرد" (فیگارو، ۱۴ مارس ۹۶). در جریان اجلاس بزرگ شرم الشیخ، شیمون پارس نخست وزیر اسرائیل صریحاً از ایران بعنوان حامی و ترغیب کننده تروریسم نام برد و افزود: "تروریسم بی نام و نشان نیست. تروریسم نام و نشان و حساب بانکی و ساختارهایی دارد که همگی در تهران است." در همین رابطه جان میجر، نخست وزیر انگلستان، طی نطق خود در اجلاس مزبور گفت: "امیدوارم که همگی ما به صراحت از کشورهای که فعالیت هایی تروریستی را ترغیب و هدایت می کنند، بخواهیم که دست از سیاست رزیلانه شان بردارند... ما این را صریحاً از ایران و لیبی خواستیم" (فیگارو، ۱۴ مارس ۹۶).

تروریسم جمهوری اسلامی علیه کومه له

دبیرخانه کمیته مرکزی کومه له طی اطلاعیه ای (بتاریخ ده ژانویه ۹۶) لیستی از اعمال تروریستی جمهوری اسلامی در سال ۹۵ علیه کومه له در کردستان عراق را منتشر کرد. در این لیست آمده است: ۱- ۱۵ ژانویه ۹۵ فردی بنام علی عبدالله زاده که از سوی اداره اطلاعات سپاه پاسداران برای نفوذ در کومه له مأمور شده بود، شناسائی و دستگیر شد. ۲- ۱۵ مه ۹۵، فرد دیگری بنام فاروق محمودی که از سوی اداره اطلاعات شهر بانه مأمور نفوذ در کومه له و ترور یکی از مسئولان آن شده بود، شناسائی و دستگیر شد. ۳- ۲ ژوئن ۹۵، دو تن از کادرهای کومه له بنام های عثمان فرمان و عثمان کیانی به هنگام بدرقه یکی از بستگانشان در شهر سلیمانیه، توسط تیمی از تروریستهای جمهوری اسلامی به قتل رسیدند. ۴- ۲۵ ژوئن ۹۵، تیمی از افراد جمهوری اسلامی که با همکاری مزدوران محلی شان با خمپاره انداز و سلاح های سنگین قصد حمله به اردوگاه مرکزی کومه له در زرگوز را داشتند، به کمین پیشمرگان کومه له افتادند و با بجا گذاشتن سلاح ها و مهمات خود و تحمل دو زخمی، از طریق اداره حلال احمر جمهوری اسلامی در شهر سلیمانیه، به طرف مریوان در کردستان ایران عقب نشینی کردند. ۵- ۱۹ ژوئیه ۹۵، فردی بنام سید وفا شیخ امجدی که از سوی اداره اطلاعات شهر سنندج مأمور انجام ترور در کومه له شده بود، شناسائی و دستگیر شد. ۶- ۱۷ اوت ۹۵، سه تن از تروریستهای جمهوری اسلامی از درون اتومبیل مقرر کومه له در شهر رانیه را به رگبار گلوله بستند که در نتیجه آن یکی از رفقای کومه له

زخمی شد. در این واقعه تروریست ها موفق به فرار شدند. ۷- ۲۰ سپتامبر ۹۵، گروهی از تروریست های جمهوری اسلامی شبانه با آرپی.جی. به اردوگاه مرکزی کومه له در زرگویز حمله کرد. در این حمله خسارتی ببار نیامد و تروریست ها موفق به فرار شدند. ۸- ۲۴ اوت ۹۶، گروه دیگری از افراد وابسته به جمهوری اسلامی در کردستان عراق، شبانه با موشک های کاتیوشا اردوگاه مرکزی کومه له در زرگویز را مورد تهاجم قرار داد. این حمله خسارتی ببار نیاورد و تروریست ها از منطقه گریختند. ۹- ۲۲ نوامبر ۹۵، فردی بنام شاهرخ زند سلیمی که بمنظور انجام ترور در صفوف کومه له نفوذ کرده بود، شناسائی و دستگیر شد. ۱۰- ۲۸ نوامبر ۹۵، در مسیر سلیمانیه، به درندبخان، تیمی از افراد جمهوری اسلامی با اسلحه سبک به اتومبیل در حال حرکت کومه له، حمله بردند که در اثر آن دو تن از سرنشینان اتومبیل زخمی شدند.

اعدام دو کود ایرانی

بر اساس اطلاعیه مطبوعاتی حزب دمکرات کردستان ایران (۲۲ اسفند ۷۴)، دو کود ایرانی بنام های احمد خضری و مجید سولدوزی که در ۱۵ فوریه ۹۵ در یکی از پست های بازرسی فرمانداری سوران توسط افراد مسلح حزب الله دستگیر و ناپدید شده بودند، در تاریخ اول مارس ۹۶، در زندان ارومیه اعدام شدند.

جمهوری اسلامی بر کرسی اتهام دادگاه بولن ۱۸

پنجشنبه ۲۹ فوریه ۹۶: دادگاه در ساعت ۹ صبح با حضور کلاس گرونی والد، یکی از مسئولان سازمان اطلاعات داخلی آلمان شروع به کار کرد. در بخش نخست شهادت نامبرده، سئوالات دادگاه متوجه منابعی بود که براساس آنها سازمان اطلاعات داخلی آلمان گزارش های خود را به دادگاه ارائه کرده بود. شاهد گفت: برخلاف آنچه در جلسه گذشته به اشتباه گفتم که منبع ما یک سازمان اطلاعاتی دوست است، پس از آخرین شهادت فرصت یافتیم که در تاریخ ۵ فوریه ۹۶ به مرکز این سازمان بروم و در آنجا پس از تحقیق و بررسی پرونده ها به این نتیجه برسم که: (۱) گزارش های ما به دادگاه همگی درست بوده اند و (۲) منبع خبری سازمان اطلاعاتی دوست، یک فرد است. من شخصاً آن فرد را نمی شناسم، اما با رابط او صحبت کردم و گزارش هائی که منبع مذکور فرستاده است را از نزدیک دیدم، او چه از نقطه نظر سازمانش و چه از نقطه نظر اخباری که فرستاده، منبع موثقی است، مضاف بر اینکه کلیه اخبار و اطلاعات او با اخبار و اطلاعات ما خوانائی دارند. از

میان اطلاعات موجود ما اشارات تلویحی فلاحیان به ترور میکونوس، پیش از وقوع آن و هم چنین جاسوسی برای کاظم دارابی را به دادگاه ارائه کردیم. در مورد منبع سازمان اطلاعات و امنیت ایران که در زمان عملیات ترور در رستوران میکونوس حضور داشته، باید بگویم که او یک شخص است و نه یک دستگاه. اما، من بیش از این اطلاعی در اینباره ندارم و هیچ نشانی در اختیار ما نیست که بتوانیم بگوئیم که آیا این شخص و منبع سازمان اطلاعاتی دوست یک فرد واحدند یا نه. پس از یک تفتش کوتاه، دادگاه در ساعت ۱۱ از نو شروع به کار کرد. در این بخش موضوع دادگاه بر مکلمات تلفنی دارابی در سال ۱۹۹۱ متمرکز بود. شاهد با ارائه ۵ خلاصه مکالمه تلفنی دارابی گفت: یک بار امانی فرانی به دارابی تلفن کرده و از او علاقه بر تشکر از کار قبلی اش مجدداً انجام کار دیگری را درخواست می کند. همین نشان می دهد که سابقه آشنائی و ارتباط آنها طولانی تر از آنچه ما می دانیم است. بار دیگر اربکانی از بن به دارابی تلفن می کند و چون کاظم دارابی در خانه نبوده، برای او پیامی در ضبط صوت تلفنش می گذارد، از این قرار که: ما یک نمایشگاه در دوسلدورف داریم. بار قبل جلسه خاتمی [وزیر ارشاد] را مناقصین بهم زدند. از تو می خواهم که خودت در آنجا حاضر شوی و بسیار مهم است که دوستان عربت را با خود به همراه بیاوری. من در خانه ایران هستم، به من زنگ بزن چون باید با تو حضوری صحبت کنم. سعی کن امروز یا فردا پیش من بیائی. در تلفن دیگر از کاظم دارابی خواسته می شود که مسئولیت راهنمایی ۱۸ نفری که از ایران آمده اند را بعهده بگیرد. در همان روز طی تلفن دیگری به او گفته می شود که این بیست نفر در هایدلبرگ هستند. در پاسخ به پرسش دارابی که آیا می توان با آنان صحبت کرد، طرف مکالمه پاسخ مثبت می دهد و می افزاید که اینها امتحانشان را پس داده اند (شاهد در توضیح گفت که شاید منظور امتحان زبان آلمانی این عده بوده است). در تلفن دیگری از وجود پول اضافه پس از خریدن مسجدی در فرانکفورت و امکان خریدن مسجدی در برلن از دارابی سؤال می شود. شاهد گفت این تلفن نشان می دهد که دارابی نقش بلائی داشته است. بر خلاف دفعات قبل که دارابی و کلایش به هنگام شهادت گرونی والد با داد و فریاد اعلام می داشتند که سازمان اطلاعات آلمان هیچ چیزی علیه دارابی در اختیار ندارد. در این روز پس از ارائه مدارک، نه دارابی سخنی گفت و نه وکلای او. در پایان، رئیس دادگاه گفت که اربکانی کارمند سفارت ایران در پایان سال ۱۹۹۲ و مارس ۹۳ بوده و تقاضا کرد که با دارابی در زندان ملاقات کند. این

درخواست پذیرفته شد و او توانست با حضور مأمورین و مترجم رسمی با دارابی ملاقات کند.

جایزه سعیدی سیرجانی

انجمن مطالعات ایرانی (دانشگاه کلمبیا، نیویورک) که جمعیتی است مرکب از ایرانیان و محققان و دانشگاہیانی که درباره ایران مطالعه و تحقیق می کنند، اخیراً برای بزرگداشت نویسنده فقید ایرانی، علی اکبر سعیدی سیرجانی که سال گذشته در بند و زندان جمهوری اسلامی درگذشت، جایزه ای سالانه برقرار کرده است. این جایزه که به نام سعیدی سیرجانی خوانده می شود، به مبلغ سه هزار دلار است و هر سال به بهترین کتاب منتشر شده در رشته های مختلف ایرانشناسی تعلق می گیرد. انجمن مطالعات ایرانی از همه علاقمندان دعوت کرده است که با پرداخت مبلغی در تهیه وجوه لازم برای انجام این منظور شرکت نمایند.

معرفی کتاب:

دستمالچی (پرویز)، تروریسم دولتی ولایت فقیه، برلین، نشر آزاد، ۱۳۷۴، ۲۳۴ ص.

اسناد مهمی درباره تروریسم دولتی جمهوری اسلامی و بویژه شرح ترور جمعی در رستوران میکونوس. مؤلف که خود در صحنه ترور حضور داشته و از آن جان به در برده است، اسناد مهم محرمانه ای را در کتاب خود گرد آورده است که در محاکمه متهمان این ترور در دادگاه برلن مطرح شده و نشانگر نقش مستقیم دولت ایران در این ترور است. در این کتاب بخش هائی از کتاب مرگ در راه خدا، شیعیان و تروریسم نوشته رولف توپ هوفن، خبرنگار آلمانی و کارشناس مسائل تروریستی ترجمه شده است که مستقیماً به سیاست های ماجراجویانه و تروریستی جمهوری اسلامی مربوط می شود.

شیرازی (علی)، بابا بیا برویم خانه، هیلز هایم (آلمان)، ۱۳۷۳، ۱۹۴ ص.

خاطراتی از زندان های جمهوری اسلامی ایران. نویسنده از خلال خاطراتش زوایای مختلف زندگی زندانیان سیاسی مرد در زندان های ایران و تأثیرات سرکوب، شکنجه و کشتار را بر روی انسان ها و احساساتشان، بیان می کند.

نشانی کمیته:

Le Comité Iranien Contre la Répression et le Terrorisme d'Etat (C.I.C.R.E.T.E.),
42- Rue Monge, 75005 Paris-France,
Fax: (33-1)43441452
شماره حساب پستی برای کمک های مالی:
C.C.P.
3943263 W la source France